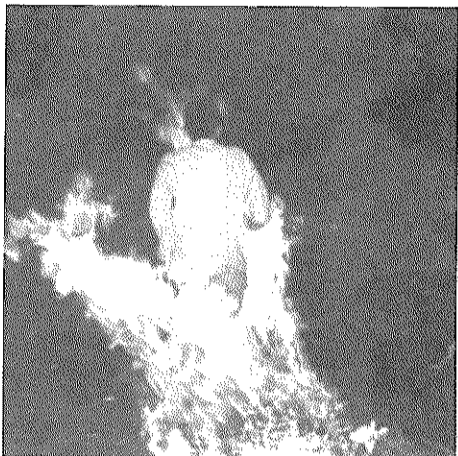




زردی من از تو



سرفی تو از من

شکوه منتر از همیشه، مراسم چهارشنبه سوری در ایران برگزار شد. مردم بویژه جوانان به خیابان‌ها راهی شدند تا این سنت نیک ایرانی را پاس بردارند. لبخند زدن، آتش افروختن، از روی آتش پریدن و خواندن سرفی تو از من، زردی من از تو، پاسداران حکومت ولی فقیه به هر گوشه که سرکشیدند با جوانان شار و مصممی روبرو بودند که آنان را از منع شادی برهیز می‌داشتند. دو سه هزار، هشت آذر، چهارشنبه سوری....

وزیر کشور در مجلس شورای اسلامی:

وزارت کشور خود را به دفاع از حقوق مردم متعهد می‌داند

کشور نمی‌تواند بدون دلیل مانع برگزاری چنین مراسمی شود. وی افزود: در حالی که ضرورت حاکمیت قانون بیش از هر زمان دیگر در کشور احساس می‌شود، ادامه در صفحه ۴

مواظقت وزارت کشور با برگزاری مراسم بزرگداشت مهندس بازرگان سخن می‌گفت، افزود: برپایی مجلس تحریم و سالگرد نیاز به اخذ مجوز از وزارت کشور ندارد و وزارت

عبدالله نوری وزیر کشور در مجلس شورای اسلامی گفت وزارت کشور خود را متعهد به دفاع از حقوق همه مردم ایران می‌داند. او که در پاسخ سوال نماینده میناب در مورد دلایل

نارضایتی از اوضاع اقتصادی رو به افزایش است

علیرغم افزایش حداقل دستمزد، هنوز دستمزد روزانه یک کارگر کمتر از

قیمت یک کیلوگوش است

نشد. کارگران، از جمله کارگران کارخانجات چیت‌سازی به‌شهر و سایر حقوق بگیران با طومار و تظاهرات هم به مطالبات عادی خود نرسیدند، اما تاجران، دلالتان و فرصت طلبان باز هم بر قیمت‌ها افزودند و مردم را در ایام عید سرکسید کردند.

مردم امسال، در سالی که دوم خرداد را آفریدند، سالی که صدای اعتراض‌شان را به گوش مردم جهان رساندند، انتظار دیگری از خاتمی و دولت داشتند. آنان امیدوار بودند بعد از ۸ ماه اوضاع اندکی نسبت به سال قبل بهبود یابد و سال نو را با چشم‌انداز روشنی آغاز کنند.

آنان انتظار داشتند رئیس‌جمهور در آستانه عید از اقدامات نویدبخشی سخن بگوید. پاره‌ای از انتظارات مردم از خاتمی در مطبوعات چاپ تهران بازتاب دارد. روزنامه «جامعه» به نقل از یک خاتم‌خانه‌دار نوشته است: ادامه در صفحه ۳

ماندند. سال نو، امسال هم با مشکلی کینه‌گرا نی و وعده‌های کهنه آغاز شد. بازهم در آستانه عید نوروز مقامات و ارگان‌های حکومتی به مردم وعده توخالی دادند: وعده کنترل قیمت‌ها، وعده اجرای طرح‌های ضربتی برای مبارزه با گرانی و وعده افزایش دستمزدها. وعده افزایش پاداش شب عید و به وعده‌ها عمل تازه و یک دیدوبازدید ساده

گرانی امسال هم مثل سال‌های پیشین عید نوروز را در سایه قرارداد، امسال هم مثل سالهای گذشته مردم از فرط گرانی نوروز را با سفره خالی سیری کردند. امسال هم کودکان و نوجوانان میلیون‌ها خانواده ایرانی در حسرت داشتن یک جفت کش نو، یک دست لباس تازه و یک دیدوبازدید ساده

خاتمی: اقتصاد ایران بیمار است

یک هفته پیش از آغاز سال نو، محمد خاتمی رئیس‌جمهور در یک مصاحبه تلویزیونی، وضعیت اقتصادی کشور و برنامه‌های دولت را گزارش داد.

در این مصاحبه خاتمی درباره اهمیت مسایل اقتصادی و تامین نیازهای مردم برای رسیدن به اهداف فرهنگی و سیاسی، بیماری ساختار اقتصادی کشور، منبع تامین درآمدهای دولت و بودجه دولت، مالیاتی، تغییر قیمت نفت و تاثیر آن بر درآمد ارزی و بودجه دولت، کسری بودجه، بازپرداخت بدهی‌های خارجی، تنش ثبات و امنیت سیاسی در جذب سرمایه‌ها و احتمال افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی و غیردولتی و ... سخن گفت.

ادامه در صفحه ۳

گزارش

۴۰۰ صفحه‌ای

جنایت میکونوس

انتشار یافت

دادگاه قانون اساسی آلمان اعلام کرد حکم بازداشت علی فلاحیان و شش متهم دیگر این جنایت پیگیری خواهد شد

دادگاه میکونوس در یک گزارش ۳۹۵ صفحه‌ای دلایل حکم تاریخی خود علیه سران حکومت اسلامی را منتشر کرده است. این گزارش در آلمان منتشر شده است و در آن از جمله این حقیقت مورد تایید قرار گرفته است که سران جمهوری اسلامی در شمار دیگری از قتل‌های سیاسی از جمله ترور دکتر شاپور بختیار و بهمن جوادی دست داشته‌اند. در این گزارش گفته شده که سلاح‌های مورد استفاده در همه این ترورها مشابه بوده است. ادامه در صفحه ۲

گزارش خاتمی

واقعیت‌های اقتصادی کشور

خاتمی در آستانه سال نو وضع اقتصادی ایران را به مردم گزارش داد و دیدگاه‌های خود را پیرامون مسایل اقتصادی کشور تشریح نمود. او عمده‌ترین مشکل اقتصادی را «بیماری ساختار اقتصادی کشور» دانست. خاتمی در سخنرانی خود به هنگام آرایه بودجه سال ۷۷ به مجلس نیز تصویری از وضع اقتصادی کشور آرایه داده و گفته بود درآمدهای ملی به گونه‌ای نابرابر میان اقشار مردم تقسیم می‌شود، فاصله فاحشی میان درآمدی ایجاد شده، تورم، بیکاری و رکود اقتصادی مشخصه وضعیت اقتصادی کشور است و مراکز متعدد و مشابه تصمیم‌گیری باعث بروز تنگناهای جدی در روال و عمل‌کردهای جاری دولت است.

هر دو گزارش خاتمی به خاطر بازگو کردن واقعیت‌های اقتصادی کشور و طرح معضلات آن تاریکی داشت. رفسنجانی نیز در دوره ریاست جمهوری خود در خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌هایش از وضع اقتصادی کشور گزارش می‌داد، ولی او همواره از «دستاورد‌های دوره سازندگی» و از «کارهای عظیمی» که در کشور صورت گرفته است، سخن به میان می‌آورد و بحران اقتصادی کشور را لاپوشانی می‌کرد. گرچه خاتمی در گزارش خود از کارهایی که در زمینه زیر بنای اقتصادی کشور در «دوره سازندگی» صورت گرفته است صحبت کرد، ولی همین گزارش او تا حدودی بیانگر کارنامه دولت رفسنجانی است که منابع مادی و معنوی کشور را برای راه انداختن پروژه‌های عظیم و در موارد قابل توجهی بی‌ثمر و نمایشی بسیج کرد و بسیاری از آن پروژه‌ها با صرف هزینه‌های فوق‌العاده بالا به اتمام رسید و یا ناتمام ماند.

خاتمی بر پایه نظر کارشناسان اقتصادی کشور به درستی مشکل اقتصادی کشور را «بیماری ساختار اقتصاد کشور» دانست و وجوهی از آن را تشریح کرد. ولی او از بازگو کردن بخش دیگر واقعیت‌های اقتصادی کشور سرباز زد و از آرایه راه‌حل‌های روشن خودداری کرد. او به مردم نگفت که برای مقابله با فقر و فاقه امروزی آنان چه می‌خواهد بکند.

یکی از واقعیت‌های دردناک جامعه ما، وجود فقر وسیع و شکاف طبقاتی فزاینده است. بر پایه آمارهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، هر خانوار شهری به طور میانگین دارای درآمد ماهانه برابر ۹۲/۳ هزار تومان بوده است، در حالی که میانگین هزینه‌ها ماهانه حدود ۱۱۳/۴ هزار تومان بوده است. این آمار نشان می‌دهد که خانوارهای متوسط و کم‌درآمد ماهانه با کسر بودجه معادل ۲۱/۱ هزار تومان مواجه بوده‌اند که ۲۹/۹ درصد کل درآمد ماهانه آنان است. این کسری بودجه، سختی تامین مخارج زندگی خانواده‌های کم‌درآمد را به خوبی نشان می‌دهد. این خانواده‌ها نه تنها قادر به پس‌انداز نیستند، بلکه برای گذراندن زندگی خود مجبورند قرض کنند و یا وسایل خانه خود را بفروشند و سطح زندگی خود را دایماً پایین بیاورند.

گرچه هنوز معیارهای دقیق و مشخصی برای تعیین خط فقر در کشور رسمیت نیافته است، اما در سال ۷۵ خط فقر جامعه شهری از سوی منابع گوناگون بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار تومان در ماه تعیین شده بود. بر این اساس و با توجه به آمارهای بانک مرکزی در سال ۷۵ بالغ بر ۵۳ درصد مردم در فقر و محرومیت زندگی گرفتارند. ادامه در صفحه ۲

مصاحبه با رفیق علی پورنقوی

مسئول هماهنگی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون:

تحولات آتی در کشور و گنگره پنجم سازمان

صفحه ۷

در تهران تنها ۵ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند

اتحادیه اسلامی دانشجویان: انتخاب‌شدگان، نمایندگان واقعی مردم تهران نیستند

انتخابات میان دوره‌ای مجلس پنجم در روز ۲۲ اسفند با بی‌اعتنایی گسترده مردم تهران روبرو شد. در تهران ۲۷۴ هزار و ۳۳۹ نفر به پای صندوق‌های رای رفتند و علی‌عباسپور تهرانی‌فرد، کاندیدای هیئت مولفه با ۹۱ هزار و فاطمه کروی، کاندیدای مسجع روحانیون مبارز با ۸۴ هزار رای، نقرات اول و دوم این انتخابات شدند. مجموعه رای دهندگان در

روزنامه سلام و امام جمعه این شهر حمایت می‌شد، تنها ۳۳ هزار رای به دست آورد. در سراسر ۵۹ هزار و ۲۷۶ نفر رای دادند و مهرزاد صدقیانی به مجلس راه یافت. در خمین ۳۱ هزار و ۹۶۸ رای به صندوق‌ها ریخته شد و علی قریشی برنده انتخابات شد.

در تهران هیچ کدام از کاندیداهای نتوانستند به اکثریت آرا دست یابند و اعلام شد که انتخابات به دور دوم کشیده شده است.

ادامه در صفحه ۳

خامنه‌ای بار دیگر روزنامه‌نگاران را تهدید کرد!

خامنه‌ای کسانی را که باب میل او نمی‌نویسند عاملین سیا خواند

ملت ما هستند کسانی که متاسفانه همان حرفی را می‌زنند که به وسیله قلم به‌مزد‌های خود در مطبوعات دنیا پخش می‌کند. یعنی می‌خواهند بگویند که آمریکا و ارتباط با آمریکا کلید حل مشکلات است و تا با آمریکا ارتباط برقرار نکنید، هیچ کاری نمی‌شود. «در این سخنرانی که در مشهد ایراد شد، «انصار حزب‌الله» شعار می‌دادند: ای رهبر آزاده، آماده‌ایم، آماده». روی دیگر سخنان خامنه‌ای خطاب به روزنامه‌نگاران و

خامنه‌ای روز شنبه اول فروردین با لحن تند و کم‌مهربانی به روزنامه‌نگاران و طر‌فداران بهبود مناسبات ایران با آمریکا حمله کرد. خامنه‌ای کسانی را که خواهان برقراری روابط دیپلماتیک با آمریکا هستند «خائن» خواند و مدعی شد این عده می‌خواهند چنین القا کنند که کلید حل مشکلات ایران دست آمریکا است و جمهوری اسلامی راهی جز برقراری مناسبات ندارد. خامنه‌ای گفت: «در داخل مسرزه‌های

خامنه‌ای روز شنبه اول فروردین با لحن تند و کم‌مهربانی به روزنامه‌نگاران و طر‌فداران بهبود مناسبات ایران با آمریکا حمله کرد. خامنه‌ای کسانی را که خواهان برقراری روابط دیپلماتیک با آمریکا هستند «خائن» خواند و مدعی شد این عده می‌خواهند چنین القا کنند که کلید حل مشکلات ایران دست آمریکا است و جمهوری اسلامی راهی جز برقراری مناسبات ندارد. خامنه‌ای گفت: «در داخل مسرزه‌های

سرکوهی در مصاحبه با روزنامه جامعه چاپ تهران آزادی در ایران باید تحقق یابد

درخواست‌های مکرر نهادهای بین‌المللی فرهنگی، قصد ندارند به من اجازه مسافرت بدهند. این، مغایر قوانین ما و قوانین بین‌المللی است.

پرسش: در وری اتهام جاسوسی، چه قصدی دنبال می‌شد؟

سرکوهی: آنان می‌خواهند نویسندگان را از حق آزادی بیان محروم کنند. می‌خواهند فضایی از وحشت و ارعاب ایجاد کنند: نویسندگان باید تحت سانسور و خودسانسوری اجباری، در ترس و ناامنی به کار بپردازند. این انحصارطلبان فرهنگی، از بحث آزاد، آزادی فرهنگی، تنوع آراء و رواداری واهمه دارند. آنها جز صدای خود هیچ صدای دیگری را تاب نمی‌آورند. می‌گویند زبان نویسندگان را ببندند و به حیثیت آنها در جامعه لطمه وارد آورند. به آزاداندیشان، اتهامات ناروا وارد می‌آورند، تا حد ناپودی شخصیت آنها، تا حد ناپودی فیزیکی.

پرسش: برخی‌ها می‌گویند کانون نویسندگان، تنها پوششی برای فعالیت سیاسی مخالف است.

سرکوهی: این اتهام، ربطی به واقعیت ندارد. نظرات اعضای کانون نویسندگان، چنان متنوع است که اصولاً نمی‌توانند در پی تحقق یک برنامه سیاسی مشترک باشند. اتهام فعالیت سیاسی در پوشش کار فرهنگی را مطرح می‌کنند تا مانع تأسیس ادامه در صفحه ۵

درد و حادثه راندگی ده‌ها دانشجو کشته شدند

در آستانه نوروز، دو حادثه راندگی دلخراش، مین ما را در آندوه فرو برد. در این دو حادثه که به فاصله یک روز از هم روی داد، ده‌ها دانشجوی دختر و پسر کشته شدند.

روز ۲۶ اسفند (۱۷ مارس)، ۷ دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف، به هنگام بازگشت از یک سمینار ریاضی در اهواز کشته شدند. اتوبوس حامل دانشجویان در ۵ کیلومتری اندیمشک به طرف پل دختر به قعر دره سقوط کرد. در این حادثه گروهی از دانشجویان نخبه ریاضی کشور که در المپیادهای جهانی برای ایران افتخار آفرید بودند، جان سپردند. تلویزیون جمهوری اسلامی نام کشته شدگان این فاجعه را به شرح زیر اعلام کرد: مجتبی لطفعلی زاده مهرآبادی، علی چیدری، رضا صادقی، آرمان بهرامیان، مرتضی رضایی، فرید کابلی و علیرضا سایبان. در این حادثه عده زیادی نیز مجروح شدند.

یک روز بعد از این حادثه ۱۶ نفر از دانشجویان دختر شاهد علوم پزشکی دانشگاه مشهد در جاده اهواز - بندر خمینی به علت برخورد اتوبوس حامل آنان با یک تریلی جان خود را از دست دادند. اسامی قربانیان این حادثه به دست ما نرسیده است.

این دو حادثه پیاپی مردم را در ایران در ماتم و آندوه فرو برد. «کار» خود را در این ماتم و آندوه شریک می‌داند.

در یک حادثه راندگی ۳ هنرمند کرد کشته شدند

در ابتدای سال نو ۳ هنرمند کرد در یک سانحه راندگی کشته شدند. این حادثه در جاده ارومیه - مهلباد اتفاق افتاد. اسامی این سه هنرمند معروف آقای شاعر، سرتیپ منصوری مترجم و نویسنده و جعفر قاضی گرافیکست و خالق آثار «شلمچه» و «سیم خاردار» اعلام شده است.

نارضایتی از اوضاع اقتصادی رو به افزایش است



ادامه از صفحه اول

«از شعارهایی که در این چند سال شنیده‌ام، واقعا خسته شده‌ام. نمی‌دانم آقای خاتمی چه چیز تازه‌ای را در این زمینه خواهد گفت اما بسیار امیدوارم که ایشان بگویند کی تورم مهار می‌شود... دیگری از او انتظار دارد سخنانش «بسیار صریح و شفاف» باشد و با مردم «از سرخ‌ها، از کسانی که با اقتصاد دلالتی ندارند و به برخی از مراکز وصل هستند»، سخن بگوید. نفر سوم یک مغزدار است. خطاب به دولت می‌پرسد: «مثلا شب عید است اما مردم پول ندارند، به راستی این نقدینگی که فراوان از آن صحبت می‌شود، در کجاست؟» نفر چهارم معلم و کارمند دولت است. از خاتمی می‌خواهد از نقش «هزار فامیل» بگوید. وی تاکید می‌کند: «در صورتی که فکری به حال معیشت مردم نشود، با این گرانی چیزی از ما باقی نمی‌ماند.» روزنامه «جامعه» در پایان همین گزارش به عنوان سؤال همین می‌پرسد: «خاتمی در این مدت برای کاستن از فشارهای اقتصادی که در تاروپود جامعه تپیده شده است، چه کرده است؟»

در روزنامه «ایران» مشکل گرانی به صورت نظرسنجی از مردم و داده‌های آماری بازتاب یافته است. در این نظرسنجی ۷۲ درصد مردم از گرانی اجناس، کم بودن دستمزدها، حقوق ماهانه و پایین بودن میزان عیدی سخن گفته‌اند. در پاسخ به این پرسش که هزینه‌ها را چگونه تامین می‌کنند، عده‌ای گفته‌اند «توان خرید نداریم»، دسته‌ای گفته‌اند با گرفتن وام هزینه‌ها را تامین می‌کنیم، بقیه گفته‌اند چاره‌ای جز فروش لوازم منزل ندارند. برای این مردم، سخنان

خاتمی که با عنوان منشور اقتصادی از تلویزیون پخش شد قابل انتظار، راهگشا و نویدبخش نبود. بیان خاتمی تازه بود اما جنس سخنانش همان بود که مردم در طول تمامی سال‌های گذشته شنیده‌اند. مردم انتظار داشتند رئیس جمهور از راه‌حل‌ها، از موانع و عوامل اصلی گرانی، از نقش «هزار فامیل»، بنیادهای ریز و درشت و بازاربانی که به حمایت شورای نگهبان، دستگاه قضایی، رهبر و نمایندگان مجلس متکی هستند، سخن بگوید. این «بازار» همه محدودیت‌های قانونی را با اتکا به قدرت که در حکومت دارد دور می‌سازند و یسا در هیئت نمایندگان مجلس و شورای نگهبان قانون‌گذاری را در اختیار

می‌گیرد. این بازار بر فراز قانون عمل می‌کند و برای چپاول مردم از همه امکانات برخوردار است. پول برای این بازار زندگی مردم عرصه چسبیدن است و گرانفروشی به گوشت، نان، سبزیجات، پیاز، شیر و دارو، پنیر و تخم‌مرغ، کشف و لباس، لوازم یدکی، وسائل خانگی، حتی سوزن و سنجاق محدود نیست. همه کالاها از نگاه «بازار» وسیله سودآوری و سرکشی کردن مردم است. با این بازار فقط با اتکا به مردم می‌توان در افتاد.

گرانی در ایران ناشی از کمبود کالاهای اساسی نیست. به نوشته مطبوعات در مغازه‌ها اجناس تولید داخل و خارج در کنار هم انباشته‌اند. تخم مرغ نژاد «لگهورن» دانهای ۲۵ تومان در

کنار تخم‌مرغ «ایرانی الاصل» دانه ۳۰ تومان چیده شده است، اما کسی توان خرید ندارد. مردم پول ندارند و آنچه دارند «ارزش» ندارد، قیمت ده دانه گرانفروشی به گوشت، نان، سبزیجات، پیاز، شیر و دارو، پنیر و تخم‌مرغ، کشف و لباس، لوازم یدکی، وسائل خانگی، حتی سوزن و سنجاق محدود نیست. همه کالاها از نگاه «بازار» وسیله سودآوری و سرکشی کردن مردم است. با این بازار فقط با اتکا به مردم می‌توان در افتاد.

گرانی در ایران ناشی از کمبود کالاهای اساسی نیست. به نوشته مطبوعات در مغازه‌ها اجناس تولید داخل و خارج در کنار هم انباشته‌اند. تخم مرغ نژاد «لگهورن» دانهای ۲۵ تومان در

خاتمی: اقتصاد ایران بیمار است

● به دلیل کاهش قیمت نفت، صرفه‌جویی بیشتر شعار دولت شده است

خانواده رفیق دوست که دو دانگ از یک کاغذ، ۱/۵ میلیارد تومان ارزش دارد و پیش دستگاه قضایی وثیقه گذاشته شده است و نیاز به پرس و جو ندارد.

رئیس جمهور از وابستگی اقتصاد کشور و بودجه دولت به نفت به عنوان مشکل عمده دیگر یاد کرد. خاتمی گفت: «الان ما وقتی که بودجه را به مجلس برده بودیم قیمت نفت روند صعودی داشت و ما ۱۷/۵ دلار برای هر بشکه در نظر گرفتیم. وقتی که در مجلس مطرح شد روند نزولی شروع شده بود. این روند ادامه پیدا کرده و ما الان کمیت‌های داریم تا بررسی کنیم که حتی در رقم‌های خیلی پایین‌تر از ۱۶ دلار هم اگر درآمد داشتیم چگونه مملکت را بگردانیم که مشکلی پیش نیاید». قیمت نفت ایران بر اساس آخرین گزارش بشکه‌ای ۱۳ دلار است.

دولت تصمیم دارد در سال جاری نیز بخشی از درآمد حاصل از فروش نفت را به بازپرداخت بدهی‌های معوقه اختصاص دهد و برای جبران کمبود از یک سو از ذخیره ارزی کشور استفاده کند و از سوی دیگر از میزبان واردات و پرداخت‌های ارزی که عمدتاً صرف تامین مواد اولیه کارخانجات و کالاهای اساسی می‌شود، کم کند.

طبق اظهارات رئیس جمهور، دولت در بخش عمرانی طرح‌های بازمانده از دوره‌های پیش را تکمیل خواهد کرد و طرح تازه‌ای شروع نخواهد شد.

خاتمی تاکید کرد برای تهیه طرح توسعه نباید به نیروی محدود اتکا کرد. سازمان برنامه و بودجه باید از نیرو و اندیشه‌های مختلف بهره گیرد. علیرغم این توضیحات، وی گفت: «هنوز سیاست‌های اقتصادی ما را مجمع تشخیص مصلحت تدوین نکرده تا به تصویب رهبری برسد تا ما بر اساس آن کار بکنیم».

ادامه از صفحه اول

در ارتباط با ساختار اقتصادی، خاتمی گفت: «عمده‌ترین مشکل به نظر من بیماری ساختار اقتصادی کشور است. چه از نظر تولید، توزیع، چه از نظر مقررات و ضوابطی که برای فعل و انفعال‌های اقتصادی هست و چه از نظر منابع درآمدی کشور. همه‌جا ما کمبودها را می‌بینیم و نیز از جهت عدم تعادل و تناسب میان درآمدها و هزینه‌ها در بخش قابل توجهی از جامعه ما.»

خاتمی تاکید کرد آنان که بیشترین ثروت کشور را در اختیار دارند در تامین مالیات‌ها هیچ سهمی ندارند و دولت نیز از کمیت و کیفیت درآمد همین قشر اطلاعی ندارد. خاتمی گفت: «امروز پردرآمدترین کسان ما، کسانی هستند که فعالیت‌های کاذب اقتصادی می‌کنند و کسانی که سرمایه‌هایشان را هیچ‌وقت در مسیر درست تولید و همین اقتصاد به کار نمی‌اندازند و همین آنها هستند که ما اطلاعات چندانی از آنها نداریم و نمی‌توانیم از درآمدهایشان مالیات بگیریم». خاتمی توضیح نداد چرا برای شناخت این «کسان» ناشناس به مردم مراجعه نمی‌کند. شناسایی «هزار فامیل».

در تهران تنها ۵ درصد مردم در انتخابات ...

ادامه از صفحه اول

روز یکشنبه ۲۴ اسفند ماه، مجلس شورای اسلامی قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن «انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی یک مرحله‌ای و با اکثریت نسبی انجام

خواهد شد و هر داوطلبی که اکثریت آرا را کسب کند، نماینده مردم خواهد بود». نکته جالب توجه در این میان این است که این قانون بلافاصله بعد از تصویب به مرحله اجرا درآمد و به این ترتیب انتخابات تهران که

مردم در انتخابات و پیش‌بینی تکرار شدیدتر آن در دور دوم، که شکستی آشکار برای همه جناح‌های رژیم به شمار می‌آید، اتخاذ شده است.

بیانیه اتحادیه اسلامی دانشجویان اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموزان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با انتشار بیانیه‌ای به نام «پیام ۲۲ اسفند

مردم در انتخابات و پیش‌بینی تکرار شدیدتر آن در دور دوم، که شکستی آشکار برای همه جناح‌های رژیم به شمار می‌آید، اتخاذ شده است.

بیانیه اتحادیه اسلامی دانشجویان اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموزان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با انتشار بیانیه‌ای به نام «پیام ۲۲ اسفند

جمهوری اسلامی؟ نه!

نوزده سال پیش، حکومت مردم را برای رای دادن به جمهوری اسلامی، به فراموشی فرآورد. خمینی همه پیشنهادات را که برای این فراموشی و حکومت آینده ارائه شده بود، به سختی مورد حمله قرار داد و با همه آن‌ها مخالفت کرد و «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد» را به رای گذاشت. سوالی که به اصرار خمینی، در برابر مردم نهاده شد، همه آن چه را که این حکومت در سر می‌پروراند و در سال‌های بعدی راهنمای عمل خود قرار داد، در خود نهفته داشت.

خمینی تا زنده بود و بعد از او سران دیگر حکومت که به جای او نشستند، همواره به این اصل وفادار ماندند که مبادا کلمه‌ای بر حکومت آنان اضافه و یا از آن کم شود. با انتخابی که خمینی نوزده سال پیش بر جامعه ما تحمیل کرد و بران رژیم از آن تا به امروز پاسداری کرده‌اند، جمهوری اسلامی به همگان اعلام کرد که نمی‌خواهد هیچ گونه رفمی را در حکومت خود بپذیرد. در تمام نوزده سال گذشته، سران حکومت با نیروهای سیاسی، با مردم و با مخالفین خود، همان گونه عمل کردند که خمینی در جریان آن فراموشی عمل کرده بود. هر کس که کلمه‌ای بیشتر یا کمتر از جمهوری اسلامی گفت و خواست به شدت سرکوب شد، به زندان رفت، در برابر جوخه اعدام قرار گرفت، به تبعید فرستاده شد و مورد انواع آزارها قرار گرفت.

جمهوری اسلامی خود تا به امروز به گونه‌ای رفتار نکرده است که امید به رفم و اصلاح در سیستم خود را به وجود بیاورد. آن فراموشی پایان نیافته است و مردم همواره در برابر این پرسش قرار داشته‌اند که «جمهوری اسلامی، آری یا نه؟». از توده‌های میلیونی سردمی که در دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ به پای صندوق‌های رای رفتند و جمهوری اسلامی را برگزیدند، هر سال و حتی هر روز گروه بیشتری کاسته شد. دوم خرداد، نخستین فرصتی بود که مردم در رای که در دوازدهم فروردین داده بودند، تجدید نظر کنند و این تجدید نظر چنان آشکار و پر صلابت بود که سران رژیم را تکان داد. ماهیت اصلی رای دوم خرداد، در آن نبود که مردم کسی را به ریاست جمهوری خود انتخاب کردند، ماهیت اصلی این رای در آن بود که مردم کاندیدایی را که رژیم در برابر آنان گذاشته بود و به انواع وسایل در صدد تحمیل آن بود، با صدای بلند رد کردند. دوم خرداد رای «نه» مردم به کسی بود که دوست و دشمن او را سبیل جمهوری اسلامی می‌شناختند، رای «نه» مردم به همه سیاست‌ها، روش‌ها و اعمالی بود که نوزده سال از سوری این رژیم بر آنان تحمیل شده بود. دوم خرداد، مردم رای «آری» خود به جمهوری اسلامی را پس گرفتند. آقای محمد خاتمی به آن دلیل بیست میلیون رای مردم را به خود اختصاص نداد که یکی از «ان‌ها» بود، او به این دلیل این بیست میلیون رای را به دست آورد که مردم او را از «ان‌ها» ندانستند.

مهم‌ترین تفسیر از این رای این است که مردم دیگر «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» را که خمینی می‌خواست نمی‌خوانند و جمهوری دیگری می‌خواهند که مثل جمهوری اسلامی نوزده سال گذشته نباشد و اجرای این خواسته خود را بر عهده کسی نهاده‌اند که خود از درون این رژیم برخاسته است! زمان نشان خواهد داد که او به این خواسته مردم چگونه پاسخ خواهد داد.

سازمان ما، در نوزده سال پیش به انتخاب ضد دموکراتیکی که خمینی پیش روی مردم ما گذاشت، نه گفت. اگر نوزده سال پیش، وقتی ما و بسیاری از نیروهای چپ و دموکرات به جمهوری اسلامی «نه» گفتیم، هنوز تقریباً همه مردم به این حکومت دل بسته بودند و در برقراری آن تحقق آرزوها و خواسته‌های خود را می‌دیدند. امروز دیگر چنین نیست و این حکومت نشان داده است که شایسته حکومت کردن بر مردم و کشور ما نیست.

کشور ما به حکومتی نیاز دارد که نیازهای اساسی امروز مردم و جامعه ما را بشناسد و به سیستم حکومتی نیاز دارد که بتواند دموکراسی را تامین کند و پایدار سازد تا مردم ایران در فضایی شکوفا، بتوانند همه امکانات و ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود را به کار گیرند، عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنند و راه کشور را به سوی پیشرفت و توسعه هموار سازند.

مشخصات چنین حکومتی از جمله آن است که تمامی نهادهای آن مستقیماً به وسیله مردم و بدون دخالت هیچ ارگانی انتخاب شوند، مذهب از حکومت و دستگاه آموزشی جدا شود، حکومت به شکل غیر متمرکز و در جهت حل مسأله ملی سازماندهی گردد، اصل برابر حقوقی زنان با مردان به رسمیت شناخته شود و در جهت تحقق آن گام برداشته شود، آزادی‌های سیاسی شامل آزادی احزاب و سندیکاها و روزنامه‌ها و اجتماعات مردم و سایر آزادی‌های اساسی تامین شود و در کنار این‌ها حکومت در جهت تامین زندگی بهتر برای توده مردم به ویژه مردم زحمتکش گام بردارد. فاصله‌های عظیم طبقاتی را کاهش دهد، بیکاری و فقر را مهار کند، در درآمدها تعدیل اساسی ایجاد کند، با گرانی و تورم مبارزه جدی کند، مسکن و امکانات آموزشی و بهداشتی و درمانی مناسب برای همه فراهم آورد و در جهت بهبود زندگی مردم به طور هماهنگ و همیشگی کوشش کند.

حکومت اسلامی نخواست است چنین حکومتی باشد و مردمی را نیز که برای تحقق این هدف‌ها مبارزه می‌کنند، بیرحمانه سرکوب کرده است و سرکوب می‌کند و به این دلیل ما همچنان با این حکومت مخالفیم و خواستار آن هستیم که به جای آن یک حکومت دموکراتیک با رای آزادانه مردم در ایران مستقر شود.

اتحادیه آمده است: ۲۲ اسفند به طریق دیگر پیام دوم خرداد را شفاف‌تر کرد و ضمن اظهار ناخشنودی از جریان انحصار قدرت، به دولت سید محمد خاتمی نیز اعلام کرد که از شعارهای زیبا اما عمل‌کرد

عاقبت‌جویانه دست بردارد و تلاش کند تا خواسته‌های مردم نهادینه شود. در پایان این بیانیه آمده است: «مردم تهران همانکجا با جنبش دانشجویی با واکنش مناسب، پیامی دیگر به انحصارجویان قدرت دادند».

قربانیان شکنجه در ایران باید مورد حمایت قرار گیرند

پس از آزادی شهرداران دستگیر شده و انتشار اخبار نحوه رفتار با آنان در زندان، بحث شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی به صفحات نشریات چاپ تهران راه یافته است. نقدی، مسئول حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی که مسئولیت بازجویی‌های شهرداران را بر عهده داشته است، برای ادای توضیح به کمیسیون شوراها و مجلس اسلامی فرا خوانده شده است. با شرح رفتار شکنجه‌گران با شهرداران اشک برخی نمایندگان مجلس نیز جاری شد. علنی شدن مسأله شکنجه در زندان‌ها، جامعه ما را تا حدودی متوجه جنایات هولناکی کرد که در زندان‌های جمهوری اسلامی جریان دارد.

اما مخوف‌ترین شکنجه‌ها و ددمنشانه‌ترین کشتارهای هزاران انسانی که خارج از دایره وابستگی و همبستگی جناح‌های حکومت اسلامی بوده‌اند و سال‌هاست جریان دارد، صدای اعتراضی را حتی به نجوا در میان حکومتیان و جلسات مجلس پرنیانگیکته است. شکنجه نیز در همان حصار قرار دارد که آزادی، آزادی تاکنون فقط برای طرفداران رژیم خوب بوده است و اکنون چنین به نظر می‌رسد که شکنجه نیز فقط علیه آنان بد است. در میان نیروهای معتدل درون حکومت اسلامی نیز این «تتبا حق برای مخالفین» به رسمیت شناخته شده است و حتی آقای خامنه‌ای از ضرورت «برخورد امنیتی و تنبیهی» با نیروهای مخالف نظام سخن گفته است.

شکنجه و به صلابه کشیدن انسان‌ها در جمهوری اسلامی قدمتی به درازای عمر این حکومت دارد که با شروع سرکوب نیروهای سیاسی ابعادی مخوف و باورنکردنی یافت. پاهای متلاشی از ضربات کابل، بدن‌های سوزانده شده، اعدام‌های مصنوعی، شوک الکتریکی، تجاوز جنسی، نشان دادن زندانی در تابوت و سلول‌هایی به تنگی و تاریکی قبر، آویزان کردن، شکنجه و اعدام هم‌زمان در برابر چشم زندانی و ایستادن در نوبت شکنجه و اعدام و دهها نوع شکنجه جسمی و روحی دیگر، در تمام زندان‌های جمهوری اسلامی و در تمام طول حیات آن متداول و جاری بوده است. جامعه ما باید به حد کافی با این رفتار وحشیانه یا انسان‌ها آشنا شود و به آن آگاهی یابد. باید وجدان عمومی جامعه علیه شکنجه انسان به دست انسان چنان برانگیخته شود که به مانند سدی نیرومند و استوار علیه این پستی و جنایت قد علم کند. جامعه ما باید حاج داوودها، اشراقی‌ها، نیری‌ها و لاجوردی‌ها و عاملین و روسای آنان را که سران این حکومت بوده‌اند بشناسد و بداند با وجدان‌های بیدار این مردم چه‌جا کرده‌اند. این وظیفه آزادی‌خواهان و همه انسان‌های شرافتمند است که نگذارند این جنایت به فراموشی سپرده شود. می‌توان انتقام‌جو نبود، اما نمی‌توان دموکرات و شرافتمند بود و چشم بر این همه جنایت که در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر است فرو بست.

کشتار و شکنجه‌های هولناک هنوز هم در زندان‌های حکومت اسلامی با شدت ادامه دارد. شهرداران شانس آن را داشته‌اند که به دلیل برخورداری از حامیان قدرتمند در حکومت شرح مطالبی را که بر آنان رفته است به گوش‌ها برسانند. اما صد‌ها و هزاران انسانی که از این حمایت‌ها محروم بوده‌اند داستان‌های بس شگفت‌تر و هولناک‌تر از آن دارند. جامعه باید به حمایت از این قربانیان شکنجه در ایران برخیزد. هزاران انسانی که در این سال‌ها مورد شکنجه قرار گرفته‌اند، اکنون خود قشر بزرگی را تشکیل می‌دهند که از آسیب‌های روحی و روانی و مادی رفتاری که در زندان‌های جمهوری اسلامی با آنان شده است، رنج می‌برند و این رنج همچنان با آن‌هاست. این قربانیان شکنجه در ایران قهرمانان آزادی‌اند. جامعه ایران باید به این قهرمانی‌ها ارج نهد و دولت باید در صدد جبران همه زیانها و صدمات مادی و معنوی برآید که بر آنان رفته است.

وزیر کشور در مجلس شورای اسلامی: وزارت کشور خود را به دفاع از حقوق مردم متعهد می‌داند

ادامه از صفحه اول
این سوال کمی شگفت‌انگیز جلوه می‌کند. عبدالله نوری گفت: تاسف‌آور است که ۹ ماه پس از دوم خرداد، هنوز هم کشور گرفتار رفتار و گفتار کسانی است که گویا با هیچ یک از واقعیات مسلم داخلی و بین‌المللی آشنا نیستند. این روش‌ها راه به جایی نمی‌برد. چنانچه نهضت آزادی غیر قانونی هم باشد، آیا اعضا نهضت حق حیات در جامعه آزاد اسلامی ما را دارند یا ندارند؟ وزیر کشور در بخش دیگری از سخنان خود افزود: ممکن است در جلساتی که برگزار می‌شود سخنانی گفته شود که نیاز به پیگیری قانونی داشته باشد، این پیگیری بر عهده قوه قضاییه است، اما قبل از وقوع جرم نمی‌توان فردی را مجازات کرد و یا فردی را از حقوق قانونی، انسانی و شرعی خود محروم کرد. او پرسید: آیا وضع ما به جایی رسیده است که باید از برگزاری یک مجلس ترحیم این قدر احساس نگرانی کنیم؟ عبدالله نوری در بخش دیگری از سخنان خود لزوم دفاع از حقوق مردم را مورد تأکید قرار داد و اظهار داشت: در این جا خدمت نمایندگان محترم مجلس اعلام می‌کنیم با توجه به اصل ۲۰ قانون اساسی که

زد و خورد در مجلس

وقتی سخنان عبدالله نوری پایان یافت، جمشیدی نماینده بهشهر از انتهای مجلس از جا برخاست و در حالی که علیه نهضت آزادی شعار می‌داد به طرف او حمله برد. نظری‌نیا نماینده کنگاور که در صندلی پشت وزیر نشسته بود کوشید مانع حمله وی به وزیر کشور شود؛ جمشیدی سبلی محکمی به صورت نظری زد به طوری که عمامه و عینک او بر زمین پرت شد. ذاکری نماینده قوچان عبا و عمامه را به کناری نهاد تا به نماینده بهشهر حمله‌ور شود اما گروه دیگری از نمایندگان مانع این کار شدند. در این هنگام نمایندگان جناح راست به طور دسته جمعی به شعار دادن علیه نمایندگان جناح چپ پرداختند و نمایندگان این جناح آنان را هرگز نراندند. جمشیدی که نتوانسته بود به وزیر کشور دست پیدا کرده و مشتت هم تشار او کند، فریاد زد: من نمی‌توانم این مجلس را تحمل کنم! ناطق نوری به او پاسخ داد: اگر نمی‌توانی تحمل کنی برو بیرون! نماینده بهشهر در حالی که فریاد می‌کشید و دشنام می‌داد صحن مجلس را ترک کرد. نظری‌نیا به خبرنگاران گفت شکایتی علیه نماینده بهشهر تهیه کرده و تسلیم قوه قضاییه خواهد کرد. او گفت: ما از صبح می‌دانستیم که قصد «برخورد» با وزیر کشور را دارند و به همین دلیل در جاهایی نشسته بودیم که مانع این کار شویم. ناطق نوری بعد از پایان این حادثه گفت: این‌ها نمک مجلس است، اما باید مواظب بود که خیلی جود نشود!

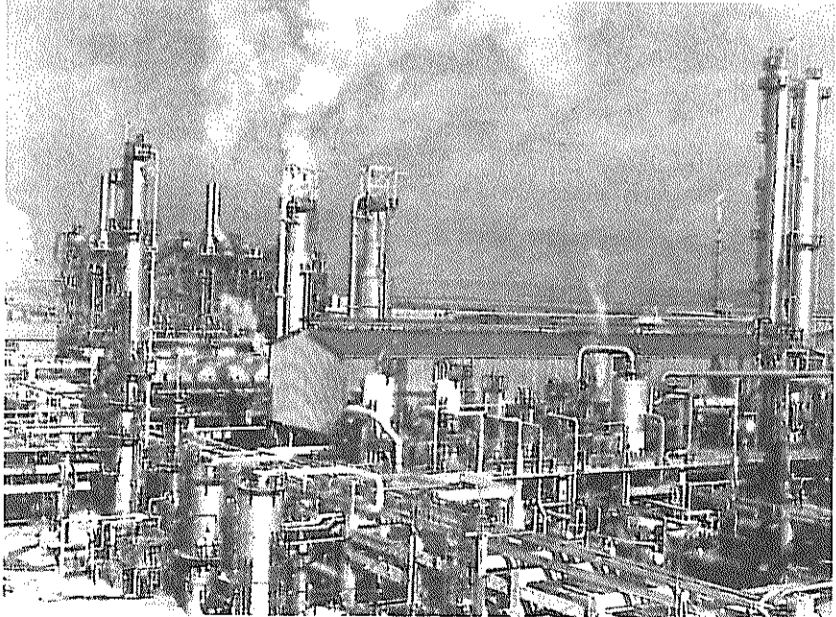
خامنه‌ای بار دیگر روزنامه‌نگاران را تهدید کرد!

ادامه از صفحه اول
صفحات «خان» و «مزدور» را کافی ندانست و هشدار و تهدید به سرکوب اهل قلم را نیز بر گفته‌های خود افزود و گفت: متأسفانه در فضای قهرنگی و مطبوعاتی که در این چند ماه اخیر به شدت ناسالم شده است و دارد ناسالم می‌شود، بعضی ستم‌پاشی می‌کنند، زهرفاشانی می‌کنند، ما البته سیاستمان این نیست که کسی را به خاطر نوشتن چیزی، پخش مطلبی تا خلاف قانون نباشد مورد ملامت قرار بدهیم.

به دنبال توافق برای کاهش تولید بهای نفت رو به افزایش نهاد

● ایران تعهد کرده است که صادرات نفت خود را ۱۴۰ هزار بشکه در روز کاهش دهد

به دنبال توافق کشورهای صادرکننده نفت برای کاهش تولید، بهای نفت در بازارهای جهانی افزایش یافت. روز پنجشنبه گذشته، بهای نفت خام سبک ایران به ۱۳ دلار و ۶ سنت رسید. روز جمعه پیش از آن، قبل از اعلام توافق کشورهای صادرکننده نفت، بهای نفت خام سبک ایران در بازارهای بین‌المللی به ۱۰ دلار و ۹۶ سنت رسیده بود. سفت خام سنگین ایران در پنجشنبه گذشته ۵۰ سنت دیگر نسبت به روز قبل از آن افزایش یافت و ۱۲ دلار و ۶۳ سنت به فروش رسید. بهای نفت در همه بازارهای جهانی در هفته گذشته روند صعودی داشت. در روز پنجشنبه نفت دومی ۱۵ دلار و ۱۶ سنت و تکزاس در آمریکا ۱۶ دلار و ۴۱ سنت معامله شد. بهای نفت در پایان سال ۷۶ به پایین‌ترین قیمت خود در سال‌های اخیر رسیده بود. افزایش قیمت نفت به دنبال ملاقات غیرمنتظره وزرای نفت کشورهای عربستان، ونزوئلا و مکزیک و انتشار قطعنامه‌ای از سوی این سه کشور در جهت کاهش تولید، آغاز شد. ونزوئلا با تولید و فروش بیش از سه‌هفته خود، یکی از عوامل کاهش بهای نفت بود و در اسفند ماه گذشته و



صادرات می‌شود. وزیر نفت جمهوری اسلامی، ضمن اعلام این خبر، مصرف بالای داخلی را مورد انتقاد قرار داد و خواستار آن شد که مصرف انرژی در ایران «بهینه» شود. به گفته وی سالانه ۱۲ میلیارد دلار در ایران انرژی مصرف می‌شود که بخش عمده آن از فراورده‌های نفتی تهیه می‌شود. کارشناسان نفتی پیش‌بینی می‌کنند که با شروع کاهش تولید، بهای نفت حدود ۵ دلار اضافه شود. افزایش قیمت در این سطح، بهای نفت ایران را باز هم به مقدار ۱۶ دلار پیش‌بینی شده در بودجه سال ۷۷ نخواهد رساند. اما بسیاری از کارشناسان نفت به روند افزایش قیمت‌ها خوش‌بین نیستند و می‌گویند که کشورهای صادرکننده نفت معلوم نیست تا چه اندازه به تعهدات خود عمل نمایند. یکی از عواملی که کشورهای اروپا و یک طرفه نفت‌فروش را به تلاشند تا اجلاس فوق‌العاده وزرای نفت اوپک را در آینده‌ای نزدیک برگزار کنند.

از آن سال‌ها

«۲۷ اسفند ۵۷ تا ۱۱ فروردین ۱۳۵۸»
از این پس، در هر شماره «کار»، ستونی را به بازتاب رویدادهای اظهار نظرها و اتفاقات سالهای نخست انقلاب در فاصله زمانی ۱۴ روزه بین دو شماره پی در پی کار، اختصاص می‌دهیم. یادآوری و بازسازی فضای سیاسی اجتماعی آن دوران و مناسبات و مواضع، به شناخت روندها و پی‌گیری مسیر تحولات در جامعه و در درون نیروهای اجتماعی یاری خواهد رساند.

زد و خورد خونین در سنج
در حوادث خونین سنج که دیروز از ساعت ۵ بعدازظهر اتفاق افتاد عده‌ای کشته و مجروح شدند. زدو خورد در داخل و اطراف پادگان سنج تا صبح امروز ادامه داشت.

حوادث خونین سنج هنگامی اتفاق افتاد که گروهی از اهالی برای دریافت مقداری شفتک به پادگان شهر مراجعه کردند. حجت‌الاسلام صفندی امام جماعت حسینیه سنج که از طرف احمد مفتی‌زاده رهبر اهل تسنن به عنوان مسئول پادگان شهر انتخاب شده بود از دادن شفتک به اهالی خودداری کرد. به دنبال این جریان و بخش شایعاتی حاکی از انتقال اسلحه‌های سنج به تهران، مردم بازار شهر را تعطیل کردند و به عنوان اعتراض در استانداری متحصن شدند. به گزارش خبرنگار بعد از اجتماع مردم در استانداری به سوی مردم تیراندازی شد که در نتیجه دانش‌آموزی به نام حمید دلاوری کشته و دو نفر دیگر به نام محمد ابراهیمی و جلیل حسینی مجروح شدند.

اظهارات دکتر قاسملو
بامداد امروز خبر رسید که دکتر قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات اوضاع پادگان جلدیان را آرام توصیف کرد. وی نیز هشدار داد که عده‌ای می‌خواهند با نقل و انتقال‌های نظامی، براه انداختن تانکها در منطقه و سنگربندی در کوه‌ها، مردم را تحریک کنند و آرامش مردم را بهم بزنند. وی از توافق رهبران مذهبی کردستان و وحدت عمل در حل مسأله کرد استقبال کرد و گفت: امیدواریم وقایع سنج، عکس‌العملی در برابر شکل‌گرفتن این وحدت نبوده باشد.

اعلامیه سازمان فدائیان خلق درباره وقایع کردستان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دیروز در نامه‌ای برای مهیندس بازگان که رونوشت آن برای وزیر دادگستری فرستاده شد کشتار مردم سنج را خیانت به خلق و خیانت به انقلاب ایران ذکر کردند. چریکهای فدایی در نامه خود نوشته‌اند که دیروز چهار هلی‌کوپتر با پرواز بر فراز شهر به کشتار وسیع و بی‌رحمانه مردم پرداخته‌اند.



۲۴ ساعت مذاکره: هیئت اعزامی دولت به کردستان پس از ۲۲ ساعت مذاکره با رهبران مذهبی و ملی کردها که با حضور حضرت آیت‌الله شیخ‌عزالدین برگزار شد به توافقهایی دست یافت. اولین نتیجه این مذاکرات اعلام آتش‌بس و پایان دادن به ۵ روز جنگ مسلحانه بین مردم و گروهی از نظامیان بود. در عکس آیت‌الله شیخ‌عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد، احمد صدرحاج سید جوادی وزیر کشور - ابراهیم یونس استاندار جدید کردستان، صارم‌الدین صادق‌وزیری نماینده اعزامی جمعیت کردهای متقیم مرکز در جلسه مذاکرات دیده می‌شوند.

نظرات احزاب و سازمانهای سیاسی در باره فراندوم

در آستانه همه‌پرسی برای جمهوری اسلامی جمعیت‌ها و سازمانهای سیاسی و اجتماعی نظرگاههای خود را در باره شیوه همه‌پرسی و جمهوری اسلامی ایران داشتند:

نظر مجاهدین: سخنگوی سازمان مجاهدین ضمن اعلام این مطلب که در همه‌پرسی فردا شرکت خواهند کرد، گفت: مشخص بودن محتوای جمهوری اسلامی ضروری بود، چون مردم باید نوع حکومتی را که بدان رای می‌دهند، بدانند و آگاهی داشته باشند که دارای چندان ویژگی است؟

نظر چریکهای فدائی خلق: سخنگوی چریکهای فدائی خلق ایران نیز در باره این سؤال که چرا در فراندوم شرکت نخواهند کرد، گفت: ما لحظاتی حساسی را پشت‌سر می‌گذاریم و تصمیم‌گیری، سرنوشت‌ساز و حیاتی است. ما در برخورد با فراندوم بسیار تعمق کردیم و کوشیدیم که اصول صادقانه‌ای اتخاذ کنیم و باین نتیجه رسیدیم که نمی‌توانیم در همه‌پرسی شرکت کنیم، چرا؟ علت اساسی این موضوع‌گیری این بود که وقتی در برابر این قرار می‌گرفتیم که جمهوری اسلامی چیست، جواب درستی نمی‌توانیم. علت دیگر عدم شرکت ما در همه‌پرسی مسأله آزادیها و حقوق دمکراتیک بود که آیا تقصیر شده است یا نه؟ سخنگوی چریکهای فدایی خلق افزود: از آقای بازگان سؤال کردیم که حقوق مردم تضمین می‌شود یا نه؟ و اما می‌بینیم که تضمین نمی‌شود.

نظر حزب توده ایران: کمیته مرکزی حزب توده ایران دیروز در سرمقاله روزنامه مردم بار دیگر ضمن اعلام اینکه این حزب به جمهوری اسلامی رای مثبت خواهد داد، تأکید کرد که این رای دادن به هیچ وجه جنبه تاکتیکی ندارد و استراتژی این حزب است.

حزب دمکرات شرکت نمی‌کند: متأسفانه اصرار بر این شد که مردم تنها در فراندوم بین سلطنت و جمهوری اسلامی حق انتخاب داشته باشند. واضح است چون سلطنت در ایران طرفدار ندارد اکثر مردم در صورت شرکت در فراندوم باید به جمهوری اسلامی رای بدهند. یعنی اینکه عملاً حق انتخاب نوع جمهوری و پا در نظر گرفتن این حقیقت و نحوه غیر دمکراتیک برگزاری فراندوم حزب دمکرات کردستان در این فراندوم شرکت نخواهد کرد.

دعوت از اقوام و دوستان یک شهید خانواده شهید فدایی خلق حبیب برادران خسرو شاهی که بعد از چهار سال محل دفن عزیز از دست رفته‌شان را پیدا کرده‌اند، به منظور گرامی‌داشت خاطره این شهید، از کلیه دوستان و آشنایان و اقوام شهید برادران خسرو شاهی دعوت کرده‌اند که در روز پنجشنبه نهم فروردین از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در سالن شماره ۴ بهشت زهرا در مراسم یاد بود او شرکت کنند.



حبیب برادران خسرو شاهی

عکس‌های نیمه پرهنه، تامین معاش، زندان و طناب دار

خبرهای علمی

مهندسی ژنتیک در خدمت بیماران

پزشکان آلمانی اخیراً نتایج یک آزمایش را که سه سال پیش انجام شده است، منتشر کرده‌اند. پزشکان در این تحقیق به بررسی تأثیرات تزریق پروتئین دستکاری شده ژنی که قادر به ایجاد مویرگ‌های جدیدی در قلب بیماران قلبی است، پرداختند. این پروتئین که FGF-1 نام‌گذاری شده است، حدود ۱۲ هفته پس از عمل در محل تزریق مویرگ‌های جدیدی ایجاد می‌کند که با اتصال به رگ‌های مسدود شده، بخشی از خون را به بافت عضلانی قلب منتقل می‌کنند. ۲۰ بیماری که از انسداد عروق رنج می‌بردند و مورد عمل فوق قرار گرفته‌اند پس از گذشت سه سال در مقایسه با بیماران دیگر از بهبودی مطلوبی برخوردار هستند. با این حال متأسفانه این تکنیک در حال حاضر نمی‌تواند جایگزین همه روش‌های موجود برای بازکردن عروق شود و تنها برای گروه خاصی از بیماران کاربرد دارد.

دزدی جایزه نوبل سال ۱۹۴۴

کشف علمی جداسازی نوترون از هسته اتم در اواخر سال‌های ۱۹۳۸ در آلمان پدیده مهمی بود. بخصوص که این کشف می‌توانست در ساخت بمب اتمی به کار گرفته شود. در سال ۱۹۴۴ شیمی‌دان آلمانی Otto Hahn که کاشف شکاف اتم محسوب می‌شود جایزه نوبل را به خود اختصاص داد. اما اکنون فاش شده است که کاشف اصلی این پدیده خانم لیز مایتنر Lisa Meitner فیزیک‌دان اتریشی‌الاصل پیوسته آلمان بوده است. پروفیسور مایتنر به همراه دو شیمی‌دان دیگر روی این پروژه به مدت چهارسال کار کرده بود و مغز متفکر و هدایت‌کننده‌ی اکسپ بود است. اما وی به‌واسطه‌ی حملات ضدیهودی نازی‌ها در سال ۱۹۳۸ مجبور به فرار و مهاجرت از آلمان شد. اندکی بعد اتو هان این کشف را به نام خود اعلام کرد. اعتراض دو شیمی‌دان جوان دیگر گروه در جو ضد یهودی و بی‌نظمی‌های پس از جنگ بی‌اثر ماند و این کاشف گمنام در سال ۱۹۶۸ پس از گذران سال‌ها مهاجرت در سوئد و انگلیس، در انزوا درگذشت.

پروفیسور مایتنر پیشنهادهایی را که برای ساخت بمب اتم به او شده بود رد کرده بود و از تبلیغات و جنجال فراری بود.

قلم، عامل انتقال میکروب

کنترل آلودگی‌های میکروبی در بیمارستان‌ها از دیرباز تاکنون موضوع مورد توجه پزشکان و مسئولان بهداشت می‌باشد که هرازگاهی به مسئله‌ی بسیار جدی و حاد در یک مرکز درمانی تبدیل می‌شود. یک گروه از زیست‌شناسان بریتانیایی کشف کرده‌اند که یک چهارم قلم‌های استفاده شده در یک سرویس بیمارستانی آلوده به میکروب هستند. مجله‌ی علمی Lancet اخیراً با درج مقاله‌ی عمده‌ترین دلیل انتشار میکروب را سهل‌انگاری کادر درمانی در شستن دست‌های خود قبل از پوشیدن دستکش و یا استفاده از یک دستکش در مواجهه با بیماران مختلف، ذکر کرده است. آلودگی بالای قلم‌ها به بهترین وجه نشان می‌دهد دست‌هایی که با قلم شرح وضعیت بیمار را می‌نویسند، می‌توانند به‌همین ترتیب میکروب‌ها را نیز از بیماری به بیمار دیگر انتقال دهند.

آلودگی چاه‌های آب بنگلادش

۳۰ میلیون نفر در بنگلادش در معرض خطر قرار دارند. آلودگی آب ۸۳٪ چاه‌های موجود در ۵ منطقه‌ی جنوبی بنگلادش ۸۰٪ ساکنان را بیمار کرده است. میزان آرسنیک موجود در این چاه‌های آب از حد مجاز مورد قبول سازمان بهداشت جهانی بالاتر است و چون این ماده بدون رنگ و بو است خطر وجود آن توسط مردم عادی احساس نمی‌شود. این نوع مسمومیت آب تاکنون در شیلی، تایوان، هند و مغولستان دیده شده است. علت این پدیده هنوز روشن نیست. آرسنیک موجود در خاک یعنی فرم غیرارگانیک آن خطرناک‌تر از فرم‌های ارگانیک می‌باشد که در بعضی محصولات دریایی یافت می‌شود. علائم مسمومیت آرسنیک، خستگی، دردهای عضلانی و بی‌ثورات پوستی است که می‌تواند به

حسین. ع متأهل، بی‌کار، دیپلمه، ماهی ۱۵ هزار تومان اجاره خانه می‌دهد، گاهی چای می‌فروشد. بعد از ۱۲ سال تحصیل و دو سال خدمت در ارتش شدم چای‌فروش و قاچاقچی. چند سال است بی‌کار هستی؟ ۷ سال است در اداره‌ی کار ثبت‌نام کرده‌ام اما دروغ از حتماً یک موقت‌کاری. در چند سال گذشته مسئولان اقدام به ساخت کارخانه و کارگاه‌هایی کرده‌اند، شما تا به حال جذب این محل‌ها نشده‌اید؟ حقیقتاً من در هیچ کدام از این جاهایی که شما می‌گویید دوست و آشنایی ندارم، یعنی اگر آدم بخواهد کاری پیدا کند باید پارتی داشته باشد، اگر رئیس کارخانه یا اداره‌ی دوستان و آشنایان و فامیل‌ها و همسپری‌های خودش بی‌کار باشد، چه طور من غریبه را استخدام می‌کنند. در مورد کارخانه‌های جدید، کارخانه‌ی را در هر مکانی بسازند برای مردم همان محل است. من که نمی‌توانم زن و بچه‌ام را این‌جا تنها بگذارم و بروم بیچار یا قروه. به نظر شما چرا عددهای در این مکان اقدام به فروش مواد مخدر و عکس‌های مبتذل می‌کنند؟ هر کس برای امرار معاش روشی دارد. به نظر من مجبورند این کار را انجام بدهند اما من به هیچ وجه کار آن‌ها را تأیید نمی‌کنم و نمی‌گویم خوب است. اما می‌دانم این افراد مجبورند چون اگر این افراد بی‌کار باشند باید از دیوار مردم بالا بروند. یعنی اگر این افراد شغل مناسب داشته باشند به این کارها روی نمی‌آورند؟ مطمئناً نه. بنده الان اگر جایی کارخانه یا اداره‌ی شغلی گیر می‌آوردم هیچ وقت به این مکان لختی نمی‌آدم.

یعنی بی‌کاری عامل این همه بدبختی‌هاست؟ خود شما وضعیت ظاهری ما را ببینید، این همه زباله و آشغال را که در این‌جا ریخته شده بینید (به تپه‌ی از زباله که بغل‌دستان است اشاره می‌کند). فکر نکنم آدم عاقل دلش بخواهد برای یک لحظه در این محل بماند، ولی ما مجبوریم، چون باید زندگی و معاش زن و بچه و خانواده را تأمین کنیم. مسردی ۲۷ ساله، متأهل، فروشنده‌ی مواد مخدر، خودش را معرفی نمی‌کند.

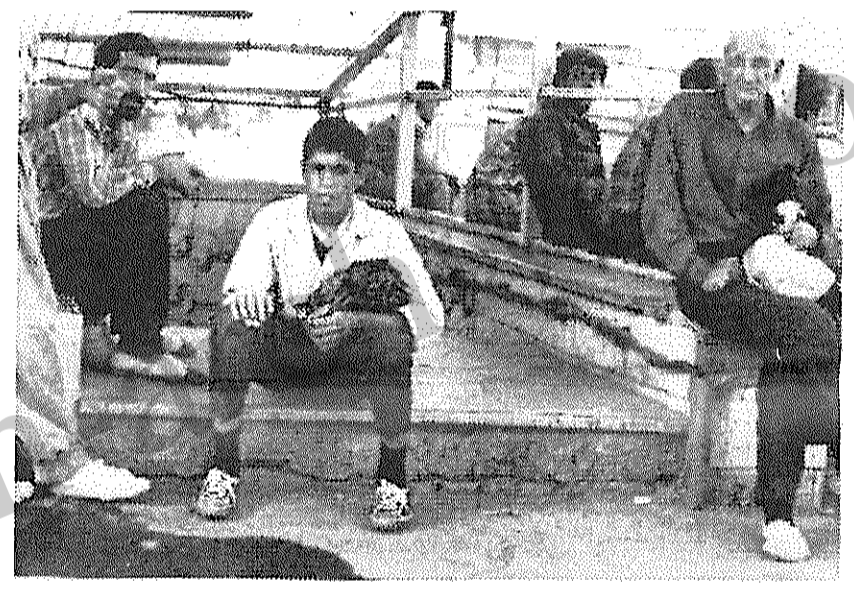
بیش‌تر مشتری‌های شما چه کسانی هستند؟ هم سن و سال‌های خودمان، جوانان. خودتان هم مصرف می‌کنید؟ چندین سال است باشگاه می‌روم، تخیر. (فیگور می‌گیرد) من ورزش‌کار هستم. اگر به ورزش و سلامت اهمیت می‌دهید، چرا دنبال این کار افتاده‌اید؟ عرض کردم خودم عمل ندارم. (متوجه منظور اصلی سوال می‌شود و می‌گوید) فکر می‌کنید اگر من کاری درست و حسابی داشتم که بتوانم مخارج زن و بچه‌ام را تأمین کنم به این کار روی می‌آوردم؟ یعنی این تنها کاری بوده است که تا به حال گیر آورده‌ای؟ تخیر، قبلاً مغازه‌ی یکی از آشنایانم بودم. بعد بی‌کاری شدم، این‌جا دوستان داشتم، من را هم به این مکان کشاندند. یعنی روزها از بی‌کاری می‌آدم این‌جا، بعد از مدتی دیدم شده‌ام ساکن این محله. احساس کردم این جور هم می‌شود پولی نمی‌بینید.

رفتن مشکل بی‌کاری در منطقه دارید؟ چه فایده دارد، اگر حرفی هم برای گفتن داشته‌باشیم، کسانی که در این مورد مسئولیت دارند خودشان می‌دانند مشکل مردم چیست. بهمن‌خ ۱۲ ساله، کلاس اول راهنمایی، آدامس‌فروش، شغل پدر: کارگر، ساکن: محله‌ی حاجی‌آباد. پول‌هایی را که از فروش آدامس به‌دست می‌آوردمی در چه راهی مصرف می‌کنی؟ به مادرم می‌دهم. اگر پدرت شغل خوبی داشت و از نظر مادی تأمین بودی چه کار می‌کردی؟ اگر این جور می‌شد، تابستان به جای کار کردن می‌رفتم کلاس‌های تابستانی، مثلاً کلاس زبان خارجی، کامپیوتر و یا ورزش. (اسم خودش را نمی‌گوید، می‌گوید چه فرقی دارد اسم من چه باشد). مردی ۲۷ ساله است

صاحب عکس‌ها می‌برم، ۵۰ تومان هم به من می‌دهند. هر روز چه قدر درآمد داری؟ بد نیست، روزی ۵۰۰ تومان، ۱۰۰۰ تومان درآمد دارم. خانواده‌ات خبر دارند که این‌جا می‌آیی؟ بله. از پولی که به‌دست می‌آوری به آن‌ها می‌دهی؟ (ناگهان از دستم فرار می‌کند و دور می‌شود) نوجوان دیگری می‌آید، می‌پرسم: چند سال داری؟ ۱۲ سال. کلاس چندمی؟ برای اول راهنمایی قبول شده‌ام. این‌جا چه کار می‌کنی؟ نان می‌فروشم. روزی چه قدر درآمد داری؟ گاهی به ۵۰۰ تومان می‌رسد. فصل مدرسه هم کار می‌کنی؟ نه، به مدرسه می‌روم. پول‌هایی را که به‌دست آورده‌ای چه کار می‌کنی؟ وسایل مدرسه می‌خرم، لباس،

این‌ها را ببینید. این آقا ۳۵ سال سن دارد، سربازی کرده و سه تا بچه دارد، متأجر است. اگر شما جای او بودید، چه کار می‌کردید. هزاران مورد این گونه به شما معرفی کنم؟! این مشکل بی‌کاری فقط در استان کردستان و در شهرهای کردنشین دیده می‌شود. خود شما هم اگر برای حتی یک بار از این‌جا خارج بشوید، به راحتی می‌توانید به این مسئله پی‌ببرید. بچه‌ی با جعبه‌ی در دست جلو می‌آید می‌گوید: واکیس آقا؟ چند سال سن داری؟ ۱۲ سال. کلاس چندمی؟ اول راهنمایی. کدام محله می‌نشینید؟ عباس‌آباد. با پول‌هایی که به‌دست می‌آوری چه کار می‌کنی؟ به مادرم می‌دهم. پدرت چه کاره است؟ (انگار ناراحت شده باشد، سرش را صورتش سفید می‌شود، سرش را

گزارش زیر از یکی از نشریات مجبختی استان کردستان نقل شده است. نشریه‌ی آبیدر (شماره‌های ۷ و ۹) گزارشی است از یکی از بازارچه‌های دست‌فروشی. بی‌گمان هر شیروند سندی یا مسافری که چند روزی را در این شهر به‌سر برده باشد، ذکر خیر بازارچه‌ی فردوسی را شنیده است. چند سال پیش این بازارچه توسط شیرواری سندی در مرکز شهر جهت توسعه‌ی بازار و ساخت مغازه‌های ارزان قیمت، ساخته شد و اکنون یکی از شلوغ‌ترین بازارهای موجود در شهر سندی می‌باشد. شلوغ از این بابت که تعداد کثیری از کسبه، چه کسانی که دارای مغازه‌اند و چه کسانی که دارای شغل‌های دیگری، مثل دست‌فروشی و غیره هستند، در آن تجمع کرده و امرار معاش می‌کنند. گزارشی که پیش رو دارید در این مکان تهیه شده است.



لطفاً خودت را معرفی کن و بگو به چه کاری اشتغال داری؟ من حسین هستم، ۲۰ سال سن دارم، مجرد هستم و شغل فروش چسب و گاهی عکس است. (لبخندی تلخ می‌زند، سرش را پایین می‌اندازد و چند عکس نیمه لخت به قول خودشان شش‌تایی به من نشان می‌دهد). آیا تا به حال توسط مأموران دستگیر شده‌ای؟ بله، چندین مورد پیش آمده، خودم را بازداشت و اجناسم را توقیف کرده‌اند و گاهی هم بعد از کسب‌کاری منطقی آزادم کرده‌اند.

کیف، کفش، پیراهن. پدرت چه کاره است؟ سیگار می‌فروشد. حسن‌ع سن ۲۷ ساله، مجرد، عکس‌های خارجی می‌فروشد. سوال از مطرح کنم، می‌گوید: آقا آمده‌ی مسخره کنی، به حرف ما آدم‌های پستی کی گوش داده‌اند تا حالا توجه کنند. اگر حرف حقی بزیم، واقعیت را بیان کنیم، نه رادیو و نه تلویزیون هیچ کدام پخش نمی‌کنند. آن‌ها فقط ... برای تلویزیون نیست برای نشریه می‌خواهم. الان گرسنه هستم، باید کاری گیر بیآورم تا نانی بخورم، شکم دارد سوراخ می‌شود. (دور می‌شود دنبالش راه می‌آیم) نگرش می‌دارم، می‌پرسم: چرا ازدواج نکرده‌ی که زدنیت سامان بگیرد؟ چند سال پیش نامزد کردم. خانواده‌ی نامزد به دلیل بی‌کاری من از وصلت ما جلوگیری کردند. چه حرفی برای کسانی که در مقابل این مردم مسئول هستند داری؟ برای آن‌ها هیچ حرفی ندارم. اما به شما می‌گویم که مسئولان به ما توجه نمی‌کنند، اگر کسی به فکر ما بود تا به حال کاری انجام داده بودند. این مسئله‌ی است که در طول چند سال به ما آدم‌های فقیر و طبقه‌ی پایین جامعه ثابت شده است. این جور آزاد بودن و بی‌کاری ترجیح می‌دهم. اولاً غم نان نداری و دوماً از این‌که توسط قانون تحت پی‌گرد باشی ناراحت نیستی. آیا پیشنهادی برای از میان

پایین می‌اندازد، سؤال را تکرار می‌کنم، کمی مکث می‌کند، بدون هیچ حرفی دور می‌شود و یک خداحافظی ناتمام در بغض گلویش صدا می‌دهد. نمی‌خواهد نامش نوشته شود، ۲۴ سال سن، سربازی نکرده، متأهل، سابقاً نانوا، بی‌کار، (تعدادی عکس در دستش می‌بینم). این عکس‌ها چیه؟ عکس می‌فروشم، مدتی پیش از میروان چای می‌آوردیم، چند بار چای را گرفتند، یا توقیف می‌کنند یا دور می‌ریزند. درآمدی دارد؟ بد نیست روزی دو سه کارتن می‌فروشم، هزار یا هزار و پانصد تومان درآمد دارد. از بی‌کاری بهتر است... چه انتظاری از مسئولان دارید؟ فکری به حال این مردم بکنند، بی‌کاری بزرگ‌ترین مشکل مردم است. در کردستان کارخانه نداریم، اگر هم باشد کارگر نمی‌خواهند. در ادارات هم باید پارتی داشته باشی. (اظرفام شلوغ شده: آن طرف کودکی را می‌بینم بغل شیرآب، جوانی که بغل‌دست من ایستاده می‌گوید: آن سربچه عکس می‌فروشد، می‌خواهی صدایش بزنم، (صدایش می‌زند، جلو می‌آید) چند سال سن داری؟ ۱۲ سال. درس می‌خوانی؟ بله، کلاس دوم راهنمایی هستم. شنیده‌ام که عکس می‌فروشی؟ خودم ندارم، مال مردم است، هر مشتری که بخواهد او را پیش

چندین مورد پیش آمده، خودم را بازداشت و اجناسم را توقیف کرده‌اند و گاهی هم بعد از کسب‌کاری منطقی آزادم کرده‌اند. جنس‌هایتان را از کجا می‌آوری؟ از میروان. بیش‌ترین خریداران این عکس‌های مبتذل چه کسانی هستند؟ جوانان و نوجوانان. نفر بعد ۲۱ ساله است، سربازی نکرده و نمی‌خواهد نامش را بنویسم: چرا به این جا آمده‌ای؟ خوب، بعضی کارها را این‌جا بهتر می‌توان انجام داد. مثلاً چه کارهایی؟ هرکاری باشد برای من اهمیت ندارد. من به خاطر پول به دست آوردن آمده‌ام، حاضر به هر کاری حتی اگر خلاف باشد دست بزنم که حداقل پول توجیبی‌ام را تأمین کنم. (انگار ناراحت شده باشد با لحنی که می‌خواهد از خودش دفاع کند می‌گوید): پیش‌تر این آدم‌هایی که این‌جا شما می‌بینید کارشان همین است. دست‌هایشان تری کارهای خلاف است. این‌جا عکس، تریاک، حشیش، ویسکی، هر جور زهرماری که بخواهید پیدا می‌شود. اگر در مقابل یکی از مسئولان مملکتی که در قبال مردم و جوانان مسئولیت دارند قرار بگیری چه حرفی برای گفتن داری؟

والله، مشکل همدی ما بیکاری است. کمی مکث می‌کند، باز هم با حالتی عصبی و چشم‌های اشک گرفته جراب می‌دهد: به خدا قسم من اگر کارخانه‌ی، کارگاهی یا هر جایی که باشد بتوانم کاری پیدا کنم که بشود زندگی خانواده‌ی دو نفری را تأمین کنم، هیچ موقع این‌جا نمی‌آدم و خلاف نمی‌کردم. (به چند نفری که بغل او ایستاده بودند اشاره می‌کند و می‌گوید:

دشواری‌های به‌یاد آوردن حقیقت

پرویز آذر

نگاهی کوتاه به گفتگوی محمد رضا شالگونی با نشریه کار، ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهروندی و در جهت شکل دادن و تعمیق جامعه مدنی. می‌بینیم که شعارهای راه‌کارگر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی همگی مطالباتی هستند پائین‌تر از حد سرنگونی و در مضمون ناظر بر فرم‌هایی در حوزه ساختار سیاسی و در حوزه حقوق شهروندی، اما این شعارها همان‌طور که خواهیم دید ویژگی‌های شرایط کنونی را بازتاب نمی‌دهند. این‌که شالگونی تنها بسیج کنندگی این شعارها را مد نظر دارد و گوهر اصلاح‌گرایانه آن‌ها را «به پس صحنه می‌راند» و «مسکوت» می‌گذارد و حتی به نشریه کار می‌گوید که برداشتن آن‌ها از جهت تاکتیک راه‌کارگر وارونه است، نشان می‌دهد که او تا چه حد در درست کردن خطاهای گذشته محافظه‌کارانه عمل کرده و شاید به خاطر گرفتار آمدن در تله یک وضعیت ویژه که ای بسا بنیاد سال‌ها نظریه‌پردازی در باره یک آینده تابناک انقلابی به‌عنوان تنها شکل ممکن و به‌لحاظ تاکتیکی قابل توجه تحول را به یاد دهد، تا چه میزان ناآرام و غیرمطمئن بوده و از نتایج آنچه که می‌گوید هراس دارد! بگذارد یکدیگر پیش‌روشن در مقابل ایشان بگذاریم:

اگر بر خلاف امیدواری راه‌کارگر وضعیت انقلابی پیش نیامده و ماجرای ۱۸ سال گذشته همچنان ادامه یابد و به بیان دیگر مبارزه در حد «مبارزه برای رفم در ساختار سیاسی نظام» باقی ماند، تاکتیک بسیج کننده او چه کارکردی خواهد داشت؟ اگر این کارکرد مثبت است چرا این تاکتیک‌ها بیشتر طرح نشدند و اگر منفی است کدام تاکتیک‌ها عملی و مثبت‌اند؟ اگر اثری بوده‌ای مورد انتظار، چه الیه اکنون به طور فعال و وسیع وجود دارد و به نفع آقای خاتمی عمل می‌کند - نه در مسیر رویارویی با کل حاکمیت، بلکه در ادامه مسیری که از دوم خرداد به این‌سو گشوده شده یعنی تقویت یک گرایش مداراگر به‌ضرر هسته اصلی آن و در جهت تحمیل فرم‌های بیشتر به «ساختار سیاسی نظام» به حرکت در آید و عمل کند با خط تاکتیکی شرمگینانه‌ای که خواهان بسیج امانه رفم، خواهان متمرکز کردن نیرو امانه نه مبارزه برای ایجاد تغییرات و اصلاحات ملموس است چه خواهد کرد؟

آیا باز هم با خودپسندی لاف خواهد زد که «ما از مضمون و جهت تحولات جمهوری اسلامی «درک روشنی» داریم؟» (راه‌کارگر شماره ۱۰۶، ص ۲۰۵، ستون سوم مقاله «چرا جویده جویده؟» به راستی او کی به درک این موضوع ساده و پیش پا افتاده خواهد رسید که از هر رفم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که شرایط مادی و معنوی زندگی مردم را بهبود دهد باید استقبال کرد و برای آن مبارزه نمود؟ برآستی او کی در خواهد یافت که تحول اجتماعی بوسیله انقلاب تنها یک شکل ممکن تحول است و برای مردم تنها به عنوان آخرین راه حل و پس از ازسودن راه‌های دیگر و بی‌نتیجه ماندن آن‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد؟ برآستی او کی خواهد دانست که بسیاری از دگرگونی‌های اجتماعی با رفم و بسیاری دیگر با انقلاب شدنی‌اند، که رفم گاهی راه سازماندهی اقدام انقلابی را می‌گشاید، که چپ نباید این دو یعنی رفم و انقلاب را در برابر هم بگذارد؛ که زمان آن رسیده که چپ در باره این دگم که رفم صرفاً محصول فرعی انقلاب است اندیشه کند؛ که بسنده نمودن به مبارزه برای رفم به معنای این‌که گویا رفم برای رفم ناپسند است نیست، که چپ عملی شدن آماج‌های بلندمدت خود را به بنای ماندن مردم در فلاکت و شورونش می‌خواهد که هدف مبارزه سیاسی چپ قبل از هر چیز عملی شدن آرمان‌های والای آزادی و عدالت است و راه‌های رسیدن به این‌ها گوناگون‌اند؟

اگر برای او «انتخابات شهرداری‌ها»، «تشکیل‌های مستقل»، «قانون کار دموکراتیک»، «ایجاد سیستم تأمین اجتماعی» و درخواست‌های دیگر شعارهایی هستند که تنها برای بسیج کردن در راستای فوری سرنگونی به کار می‌آیند، برای انبوه وسیع مردمی که در جهنم سیاه جمهوری اسلامی به تنگ آمده‌اند، برای مردمی که بخشی از حاکمیت را وادار کرده‌اند که شعارهای آن‌ها را بدهد، تحقق فوری هر یک از رفم‌های مزبور حیاتی است و درست به همین دلیل آن‌ها در تمامی این سال‌های گذشته دعوت‌های انقلابی به‌پای خیزید و راه بی‌بیتید را نادیده گرفته‌اند!

وضعیت فعلی جامعه ایران، تنها یک ایستگاه بین راه در مسیر یک راه‌پیمایی طولانی بوده است. بر بستر یک بحران حاد اقتصادی که ناشی از شکست سیاست‌های اقتصادی دولت رفنجانی و تسلیم او به بازار بود و بر زمینه یک بحران ژرف و نوین فکری و ایدئولوژیک نیروهای روشن‌فکر مذهبی جامعه ایران که نتایج وحشتناک ویرانگری خمینیم را در مقابل خود دارند، و در شرایطی که کار فرهنگی و فکری روشن‌فکران دموکراتیک اندک‌اندک نتیجه داده و ارزش‌های مردم‌سالاری، حقوق شهروندی و جامعه مدنی به‌کندی طرح شده و پذیرش می‌یابند و مردم با هوشیاری و بر سر یک بزنگاه تاریخی تعادل نیروی جدیدی را در درون حاکمیت و در سطح جامعه به هسته اصلی قدرت یعنی ولایت فقیه تحمیل کردند.

بنابراین امروزه پرسش بنیادینی که نیروی آگاه جامعه ایرانی در برابر خود دارد این است که باید چه سیاسی را در پیش گرفت که وضع روز به روز به نفع مردم و در سوی شکل‌گیری جنبش مستقل برای دموکراسی و جمهوری و به‌ضرر هسته اصلی قدرت سیاسی یعنی ولایت فقیه و یاران او عوض شود. به راستی حیرت‌آور است که در پاسخ‌های شالگونی که گویا همواره «درک روشنی» از مضمون و جهت تحولات جمهوری اسلامی داشته است (!) حتی وضعیت کنونی به درستی ترسیم نمی‌شود. او حتی اکنون که راه‌کارگر به طرح شعارهایی با مضمون فرم‌هایی در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازد از یک سو کارکرد شعارها را تنها بسیج کننده می‌داند و از سوی دیگر هیچ شعار سیاسی رانها را جهت دهنده برای چالش‌های سیاسی لحظه کنونی در برآبر سرمد نمی‌گذارد. بن‌بنایان دیگر تاکتیک‌هایی که طرح می‌شوند به طور کلی بسیج کننده و سازمان‌گرند. اما به طور مشخص سست و سوی سیاسی نداشتند و نمی‌توانند نیروها را کانونی کنند، زیرا تنها به هدف بسیج برای انقلاب و در راستای یک وضعیت انقلابی که ممکن است پیش‌پایید یا نیاید طرح می‌شوند و نه به عنوان پاسخی سیاسی به یک چالش سیاسی روشن که اکنون در برابر مردم قرار دارد. بحث بر سر این نیست که ما چه نظری در باره جریان اصلاح‌گرایی که در حاکمیت سر بلند کرده است داریم و بلکه بحث اصلی این است که این جریان امروز بیان‌کننده یک آرایش نیرو در جامعه بوده و خواسته و یا ناخواسته و یا هر دو هفتی به سخنگوی بخشی از درخواست‌های مردم تبدیل شده است. بحث بر سر اختلاف مثبت یا منفی با جریان آقای خاتمی و روشن‌فکران ناراضی مذهبی که پشت سر او ایستاده‌اند نیست. حتی بحث اصلی این نیست که مردم با این جریان به خطا یا به‌درستی ائتلاف مثبت کرده‌اند بلکه این است که مردم با هوشمندی از دوم خرداد به این‌سو تضاد بین «جمهوری» و «ولایت» را به‌رگه بنیادینی تبدیل کرده‌اند که تنها و تنها گشودن آن به سود «جمهوری» و به زبان «ولایت» حرکت مردم و جامعه را در سوی فراهم آمدن همه جانبه زمینه‌های باگرفتن جنبش مستقل به جلو می‌برد، آری مردم با زیرکی و با استفاده از تضاد بین «جمهوری» و «ولایت» قرار داده‌اند آن‌هم در زمانی که این «ولایت»، بیش از هر زمان دیگری ذلیل و فرو کویده در تله گرفتار و دشمن‌کام است. این‌که آن حقیقت ساده‌ای است که آقای شالگونی نسبت به آن هیچ «درک روشنی» ندارد و در تاکتیک‌های بسیج کننده او نیز نقشی بازی نمی‌کند. جهت اصلی حرکت نیروهای دموکراسی در لحظه کنونی باید اتخاذ تاکتیک‌هایی باشد که ولایت فقیه را روز به روز دو مخصه انداخته، به عقب نشینی وادار کرده و تضعیف کند و به تقویت جمهوری یعنی یک نهاد انتخابی از سوی مردم بیانجامد.

آری از آنجا که او از جهت تحولات «درک روشنی» ندارد، قادر نیست به طرح شعارهای سیاسی مناسب لحظه کنونی بپردازد زیرا امید دارد که مردم به زودی خود را برای یک گلاویزی بزرگ با کل حاکمیت آماده کرده و کار را یک سره کنند و از این رو نیز از ضرورت تاکتیک برای برش زمانی کنونی باز می‌ماند، در حالی که کارکرد اصلی تاکتیک‌های عملی در شرایط کنونی سازمان دادن پیشروی‌های جزئی و روزانه برای برهم زدن تعادل قرا در جامعه به نفع مردم است. مردمی که بر خلاف رهنمودهای

رسودن اندیشه سوسیالیسم در یک کشور انگشت می‌گذاشتیم در حالی که شالگونی و همفکرانش بر مبنای بار سنجش سست بنیاد و محدود خویش از تجربه شوروی می‌پنداشتند که می‌شد سوسیالیسم نوع شوروی را دموکراتیزه کرد. آن‌ها نه در چرایی پانگرفتن دموکراسی اندیشه کرده و نه در پیش فرض گرفتن گوهر سوسیالیستی برای جامعه شوروی و دولت آن به تردید افتادند. گویا تنها و یا در وجه عمده یک خطای پیشی به لگدمال کردن دموکراسی در روسیه شورایی انجامیده است. اینگونه بازنسجی، ایده ویرانگر مهندسی اجتماعی، ایده پروردگاران قالب‌پذیر بودن دلخواه جامعه و به‌طور مشخص ایده آفرینش شرایط تاریخی و مادی سوسیالیسم توسط خود سوسیالیسم و در تحلیل نهایی توسط حزب پیشرو را کم و بیش دست نخورده گذاشته و تنها به بزک کردن آن با دموکراسی می‌پرداخت.

باری امروز شالگونی خود و سازمانش را طرفدار مارکسیسم زمان مارکس یعنی یک مارکسیسم غیرآنتنی معرفی می‌کند اما روشن نمی‌کند که بحث مربوط به نقد مارکسیسم کمینتری کی در راه کارگر صورت گرفته است؟ اسناد آن در کجاست و چه کسانی چه نظراتی داشته‌اند؟ او کدام حرف دیروز خود را امروز رد می‌کند؟ نقد امروز او از سوسیالیسم اردوگامی چیست؟ کسی راه‌کارگری‌ها دست از کمینترین پوستی که روزگاری سیمای مسلکی آن‌ها را شکل می‌داد برداشتند؟ ادعای رسیدن به مارکسیسم زمان مارکس (که در راه‌کارگر بر سر آن بحثی که جنبش از آن آگاهی داشته باشد صورت گرفته است) بیشتر در حد یک ژست تبلیغاتی است و گرنه یک طرفدار حتی سطحی متد مارکسیسم کلاسیک نیز می‌داند که مارکس جاسایزین سرمایه‌داری پیشرفته می‌شود می‌فهمد و ادعاهایی مثل سوسیالیسم در یک کشور توسعه نیافته مثل ایران که هنوز در آغاز راه گذار از خودکامی به دموکراسی بوده و در کشاکش سنت و مدرنیته به تشنج افتاده است. آن هم تنها به دلیل پلشتی‌های سرمایه‌داری‌های پیرامونی و بدون بررسی مشخص شرایط آن بیشتر به یک شوخی می‌ماند. گواه ما در باره درستی شعار «مبارزه برای سوسیالیسم» ارزش‌های سوسیالیستی از امروز، و نزدیکی و «بازگشت» آن به مارکس و نادرستی رویکرد شالگونی و همفکرانش یعنی شعار «سوسیالیسم هم اکنون» و «سوسیالیسم به عنوان آلت‌ناتیو جمهوری اسلامی» قبل از هر چیز آن چیزهایی است که سال‌هاست در نشریه راه‌کارگر در باره وضعیت جنبش دموکراتیک، کارگری و سوسیالیستی درج می‌شود و سیمای جامعه‌ای که هنوز در خم اول کوچه توسعه، دموکراسی، آزادی، پیشرفت، حقوق شهروندی و مردم‌سالاری مانده است را به بهترین شیوه‌ای ترسیم نموده و نآشندنی بودن شعار «سوسیالیسم هم اکنون» را آشکار می‌کند. اگر بازگشت شالگونی به مارکس سرسری نباشد باید نتیجه گرفت که او از آنچه در ارگان سازمانی‌اش درج می‌شود! بی‌خبر است!!

و سخن آخر این‌که شالگونی این موضع خود را در برابر جنبش چگونه توجیه می‌کند که خود او به قطعنامه همکاری در جریان اقلیت (سابق) و اکثریت راه‌کارگر در کشور جدایی رأی داد؟ قطعنامه‌ای که در آن هر دو گرایش مبارزه مشترک در راستای آزادی و سوسیالیسم و تحقق «اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم» را مبنای همکاری‌های خود در آینده می‌گذارند. آیا او در آن هنگام از دیدگاه‌های ما بی‌خبر بود؟ این پرسش را در مورد به هم زدن وحدت راه‌کارگر با دو جریان فدایی نیز تکرار می‌توان کرد. آن‌ها در ابتدا مذاکرات وحدت، متحد حزبی شالگونی بودند و در جریان بهم خوردن وحدت به نیروهایی پایین‌تر از دموکرات تنزل یافتند که وحدت با آن‌ها «شلیک به شقیقه راه‌کارگر» بود. آیا این برای هواداران چپ و مردم آموزنده است؟ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۷۶

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه یک ساله تاریخ:

نام: Name:

نشانی: Address:

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس پست کنید!

بهای اشتراک:

تک فروشی در آلمان: ۳ مارک

اروپا: شش ماه ۴۵ مارک، یک ساله ۹۰ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۵۲ مارک، یک ساله ۱۰۴ مارک

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:

Postfach 260268

50515 Köln

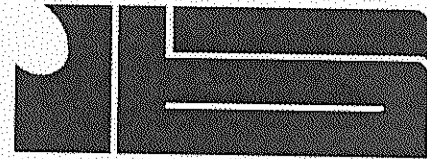
Germany

I.G.e.v آدرس:

22 44 20 32

37 05 01 98

Stadtsparkasse Köln



چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۷۷ - اول آوریل ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۷۹

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

کلمبیا: بوی خوش صلح؟

بنا بر گزارش روزنامه اسپانیایی «ABC» روز چهارشنبه گذشته نمایندگان دولت کلمبیا و چریکهای ارتش رهاییبخش گفتگوهای صلح را در اسپانیا آغاز کردند. سالها است که در کلمبیا نبرد خونینی بین چریکهای ارتش رهاییبخش ملی «ELN» با ۳۰۰۰ جنگجو و نیروهای انقلابی کلمبیا «FARC» با ۷۰۰۰ چریک از یک سو و نیروهای دولتی این کشور از دیگر سو در جریان است. در این نبرد چهارده ساله هزاران کشته و بیش از ۱/۵ میلیون نفر آواره جنگی شده‌اند.

روز پنجم ژوئن قرار است نمایندگان دولت، چریکهای مارکسیست ارتش رهاییبخش و نمایندگان جامعه مدنی مذاکرات رسمی برای طرح درازمدت صلح را رسماً آغاز نمایند. نیروهای انقلابی کلمبیا در این مذاکرات حضور ندارند و نبرد برای این نیروها کماکان ادامه خواهد داشت.

به مناسبت روز جهانی آب

آنها که «آب» به آخر می‌رسد!

ضرب‌المثل معروفی در ازبکستان می‌گوید: آنجا که آب به آخر برسد دنیا هم به آخر می‌رسد. روز ۱۵ مارس برای نخستین بار کنفرانس جهانی آب در ژنو برگزار گردید. با اینکه دوسوم کره خاک از آب پوشیده است اما تنها اندکی از آن قابل مصرف انسانها می‌باشد. در جهان بیش از ۱/۲ میلیارد انسان از حداقل آب قابل شرب محروم‌اند. طبق گزارش بانک جهانی برای ده سال آینده مبلغ ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است تا کمبود آب آشامیدنی در سطح جهان رفع گردد. بنا بر تحقیقات انجام شده توسط سازمان ملل: «سورانی به قطر نیم میلیمتر ماهانه باعث به هدر رفتن ۱۵۰۰۰ لیتر آب آشامیدنی می‌گردد». متخصصین محیط زیست اعلام نمودند: از آنجائیکه تنها پنج درصد از فاضلاب موجود مجدداً تصفیه می‌گردد یکی از بزرگترین مشکلات بشریت در قرن آینده، تامین آب آشامیدنی خواهد بود.

بیش از ۷۵ درصد آب مصرفی جهان برای تولیدات کشاورزی به کار می‌رود. یک سوم تولیدات کشاورزی از طریق آبیاری مصنوعی انجام می‌پذیرد، در حالی که برای همین مقدار، ۶۰ درصد از آب مصرف شده به هدر می‌رود. محاسبات متخصصان دانشگاه «کرنل» نیویورک نشان می‌دهد که کشاورزان کالیفرنیا فقط ۲٪ و کشاورزان پاکستانی ۱۳٪ قیمت تمام شده آب را می‌پردازند و معتقدند دولتها بجای سوسپد بر روی قیمت آب باید بروی تکنولوژی مدرن آبیاری که باعث صرفه‌جویی در مصرف آب می‌گردد سرمایه‌گذاری نمایند و از استفاده عقلانی آب حمایت نمایند.

علاوه بر این بنابر مطالعات «مرکز تحقیقات استراتژیک» ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۹۹۴ انجام گردید، ۱۰ منطقه در جهان وجود دارد که بروز اختلاف بر سر «آب» در آن احتمال می‌رود. بسیاری از جنگ‌های آینده بر سر «آب» خواهد بود. حوادث سد آتاتورک بر روی رودخانه فرات دو کشور عراق و سوریه را با کمبود آب روبرو ساخته و باعث بروز مناقشاتی بین این سه کشور گردیده است. ترکیه از هم‌اکنون موشک‌های زمین‌به‌هوا در این منطقه مستقر ساخته. اگر زمانی اتیوپی تصمیم به بهره‌برداری حتی نیمی از زمینهای زراعی قابل مصرف خود داشته باشد، آب رودخانه نیل در مصر پانزده درصد کاهش خواهد یافت. همین مشکل هم‌اینک با احداث سد «اسوان» توسط مصر برای سایر کشورهای کوه‌پایه رودخانه نیل در آنها جریان دارد بوجود آمده است. برنامه تایلند برای سدسازی بر روی رودخانه «مکنگ» ویتنام و کامبوج را با مشکل بزرگی روبرو خواهد ساخت. آب رودخانه سند بحرانی‌ترین اوضاع را بین هند و پاکستان بوجود آورده است. در جهان و از ۴۰۰۰ سد ساخته شده بر روی رودخانه‌هایی که از چند کشور عبور می‌نمایند کمتر موردی وجود دارد که باعث بروز کم‌آبی و متعاقب آن بروز اختلافات با سایر کشورها نگردد.

ماه مه سال گذشته سازمان ملل «کنوانسیون آب» را ارائه نمود که تاکنون تعداد معدودی از کشورها آن را امضا نموده‌اند.

یکی از مشتریان بزرگ نفت نیجریه است. آنگولا شریک تجاری دیگر آمریکا است که در آن سال‌هاست جنگ خونینی بین شورشیان و دولت جریان دارد. آمریکا ضمن خرید نفت آنگولا، از سواحل این کشور به حمایت از شورشیان راست در برابر دولت چپ‌گرای این کشور ادامه می‌دهد. دسته‌های مسلح نظامی که از زمان تبعیض نژادی در آفریقا، تحت حمایت سیا شکل گرفته و از طریق معادن الماس مالی تامین می‌شوند در این درگیری‌ها شرکت دارند. جنگ در آنگولا باعث فجایع و مصائب بیشماری برای مردم این کشور شده است. به نظر می‌رسد تا زمانی که توافقی بین دولت و شورشیان برای تقسیم منابع الماس صورت نگرفته است، این جنگ ادامه یابد.

نلسون ماندلا رئیس جمهور آفریقای جنوبی در مصاحبه مطبوعاتی مشترک با کلینتون، ضمن تاکید بر روابط دوستانه با ایران، لیبی، کویت و عراق اظهار داشت به فشار آمریکا برای در محاصره قرار دادن این کشورها که در زمان مبارزه علیه تبعیض نژادی به مردم این کشور کمک کرد، نارضایتی می‌شود.

در سفر آفریقایی کلینتون

سیاست جدید آمریکا با انتقاد آفریقاروبرو شد



کلینتون هم برای لحظاتی از پشت همان میله‌هایی به دنیای بیرون می‌نگرد که ماندلا ۱۷ سال نگرسته بود! رئیس جمهوری آفریقای جنوبی از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۸۱ توسط رژیم آپارتاید این کشور در این زندان زندانی بود. پس از آن او به زندان دیگری منتقل شد و تا زمان رهایی در سال ۱۹۹۱ در آن جا در بند ماند.

کلینتون رئیس جمهور آمریکا در راس یک هیئت سیاسی - اقتصادی ۴۰ نفره به ۶ کشور آفریقایی سفر کرد. کلینتون در این سفر سیاست جدید آفریقایی آمریکا را اعلام کرد. طبق قانون جدیدی که به سنای آمریکا برای تصویب عرضه شده است، کمک‌های اقتصادی آمریکا به کشورهای آفریقایی حذف شده و در عوض امکانات مبادلات تجاری گسترش خواهد یافت.

سیاست آفریقایی آمریکا از سوی آفریقاییان با بدبینی روبرو شده است. آن‌ها هراس دارند که طبق سیاست جدید، گسترش بازارهای آفریقا به طور یک جانبه به سود آمریکا صورت گیرد و در عین حال کمک به این کشورها نیز لغو شود. نلسون ماندلا در مصاحبه مطبوعاتی مشترک با کلینتون از سیاست جدید آمریکا انتقاد کرد. بدبینی آفریقاییان به سیاست همکاری مشترک با آمریکا دلایل دیگری نیز دارد.

در حالی که کلینتون از لزوم گسترش دموکراسی در این قاره سخن می‌گوید، بزرگ‌ترین شریک تجاری دولت دیکتاتوری نظامی نیجریه می‌باشد. آمریکا

آمریکا تصمیم به ادامه تحریم ایران و لیبی را به تعویق انداخت

است که با سقوط قیمت نفت، شرکت‌های خارجی علاقه خود را به ادامه قرار دادهای خود با ایران از دست بدهند. آمریکا در هر صورت تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا انتقال نفت کشورهای کناره دریای مازندران را از طریق ترکیه در دستور قرار دهد.

زودی در مورد تحریم‌های کویت، لیبی و ایران نتایجی به دست آید.

برخی از نشریات اروپایی می‌نویسند که آمریکا با تصمیم خود نمی‌خواهد رابطه با دولت خاتمی را در معرض خطر قرار دهد و از سوی دیگر امیدوار

کانادایی والی انرژی که قرار داد ۱۸۰ میلیون دلاری امضا کرده است، می‌باشد.

بریتان کمیسار بازار مشترک اروپا، پس از دو روز مذاکره با طرف آمریکایی اعلام کرد که هنوز به نتیجه‌ی نرسیده است، ولی امیدوار است که به

حداقل تا ۸ ماه مه، یعنی زمان ملاقات سران قدرت‌های اقتصادی به تعویق می‌اندازد.

این تصمیمات شامل شرکت نفتی توتال و شرکت روسی گازپروم که قرارداد دو میلیارد دلاری در مورد انتقال نفت ایران بسته‌اند و هم چنین شرکت

با وجود این که دولت آمریکا از شش ماه قبل موضوع مساجلات شرکت‌های روسی، کانادایی، فرانسوی و آسیایی که با ایران و لیبی قرارداد بالای ۲۰ میلیون دلاری بسته‌اند را در دستور قرار داده است، هر گونه تصمیم‌گیری در این مورد را

در آسیای مرکزی نگرانی از گسترش بنیادگرایی افزایش می‌یابد

برگرفته از مجله اکونومیست

مترجم: فرشید رستگار

از اقوام گوناگون است و دربرگیرنده کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان است. دارای ریشه عمیق می‌باشد.

در دسامبر ۱۹۹۷ به دنبال کشته شدن چهار پلیس در شهر ننگان به دست افراد ناشناس، اقدامات امنیتی شدیدی توسط مقامات امنیتی و انتظامی برای جلوگیری از تکرار اینگونه حوادث بکار گرفته شده است.

پلیس بنیادگرایان اسلامی را مسئول این ترور می‌داند. صدها تن از مسلمانان دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. پلیس ازبکستان برای دستگیری افراد مظنون به داخل خاک قرقیزستان وارد و دستگیری‌ها را انجام می‌دهد. دستگیرشدگان به عنوان بنیادگرا مورد بازجویی قرار گرفته و تهدید به عدم گسترش اعتقاداتشان می‌گردند. پلیس ازبکستان برای موجه جلوه دادن دستگیری‌ها متهم به قرار دادن مواد مخدر در دست دستگیر

شدگان است. رئیس جمهور ازبکستان «اسلام کرییم‌اف» برخلاف حرکات قبلی خود یعنی تظاهر به اسلام از طریق مسافرت به مکه، دیگر چندان علاقه‌ای به گسترش اسلام ندارد چرا که مکه تظاهری بود برای تحت تاثیر قرار دادن ۲۳ میلیون نفر جمعیت کشور و امروز او بنیادگرایان را همچون سایر نیروهای مخالف رژیم دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد. مسجد مرکزی شهر در آنسویچان در قسمت شرقی ازبکستان در سال ۱۹۹۵ توسط رژیم تعطیل و در همانسال امام «عبدالوالی کوری میرزایف» نیز ناپدید گردید. رئیس جمهور به کرات شهر قدیمی «اوسوی» در قرقیزستان را مرکز فعالیت‌های گروه «وهابی» دانسته و طالبان در افغانستان را متهم به حمایت از آنها نموده است. وزیر اطلاعات رژیم «کولوف» اخیراً اظهار نموده که گروه‌های افراطی در قسمت‌های

جنوبی کشور وجود دارند. کشورهای چون قرقیزستان و قزاقستان که مردمی عشایری و کستر مذهبی دارند و تقریباً هیچگونه اثری از معماری اسلامی در آنها دیده نمی‌شود، در قیاس با شهرهای زیبای سمرقند و بخارا که چون لحظه‌های درخشان تمدن اسلامی در ازبکستان چشم را خیره می‌کنند، خواهان تلاش برای پیشرفتهای اقتصادی هستند.

گوناگونی مردم در قزاقستان که تقریباً بیش از ۱۰۰ گروه قومی را شامل می‌گردد عاملی اصلی برای جلوگیری از خطر بنیادگرایی است، زیرا نصف جمعیت کشور یعنی ۱۶/۴ میلیون نفر مسلمان هستند. برای تقویت روحیات ملی و همبستگی بین اقوام و مذاهب در اغلب موارد مفتی اعظم مسلمانان و رهبر مذهبی ارتدکسهای کشور همیشه در تشریفات رسمی در کنار هم ظاهر می‌گردند تا بتوانند

